

تأکید وزیر بهداشت بر مهار قیمت دارو و تأمین نیاز بیماران



«رهبر انقلاب: آمریکا در آینده خلیج فارس جانی ندارد

«رئیس جمهور: هر گونه تلاش برای اعمال محاصره و محدودیت دریایی علیه ایران محکوم به شکست است

بزرگداشت روز ملی خلیج فارس در جزیره هرمز به یاد شهدای دانش آموز میناب

«در بیانیه پایانی روز ملی خلیج فارس تأکید شد: حضور نظامی قدرت‌های بیگانه، امنیت کشورهای منطقه را به خطر انداخته است

وزیر راه و شهرسازی اعلام کرد:

افزایش ۲۰ درصدی ترخیص کالا از بنادر

وزیر راه و شهرسازی اعلام کرد:

افزایش ۲۰ درصدی ترخیص کالا از بنادر

وی افزود: رانندگان نشان دادند که چگونه ستون فقرات لجستیک و حمل‌ونقل را به دوش کشیدند و کالاهای اساسی و غیراساسی را هم در داخل کشور و همچنین در حوزه ترانزیت و حمل‌ونقل بین‌المللی به بهترین نحو ممکن جابه‌جا کردند.

وزیر راه و شهرسازی افزود: مشکلات در حوزه حمل‌ونقل و چالش‌های بسیاری که رانندگان محترم با آن مواجه هستند را فراموش نکرده‌ایم و تمام تلاش دولت چهاردهم این بوده که بخشی از این مشکلات را حل و فصل کند. صادق گفت: رانندگان فارغ از این مشکلات، در زمان صلح، جنگ دوازده‌روزه و جنگ رمضان با دشمن جنایتکار درخشیدند و ثابت کردند فراوان دارم.

پاسخ تهران به نامه ۶ کشور عربی به سازمان ملل:

به جای شکایت باید غرامت مشارکت در جنگ با ایران را بپردازید

ایران بار دیگر موضع روشن و ثابت خود را تکرار می‌کندکه تمامی دولت‌هایی که اعمال متخلفانه بین‌المللی آنان در تجاوز آمریکا و رژیم اسرائیل علیه حاکمیت و تمامیت ارضی آن نقش داشته است، باید پاسخگو شناخته شوند. تداوم ناکامی شورای امنیت در پرداختن به علل ریشه‌ای وضعیت کنونی، یعنی توسل غیرقانونی به زور، اعمال تجاوزکارانه و نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط آمریکا و رژیم اسرائیل، و نیز همدستی دولت‌هایی که با چنین اعمال متخلفانه‌ای را علیه ایران تسهیل کرده‌اند یا مستقیماً در آن مشارکت داشته‌اند، تهدیدی جدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی ایجاد می‌کند.



در رقابت‌های المپیک، جهانی و بازی‌های آسیایی منحصربه‌فرد شد.

بزرگترین افتخار عبدالله موحد کسب مدال طلای المپیک ۱۹۶۸ مکزیکوسیتی بود.

عبدالله موحد الکوی فنی کشتی گیران ایرانی به همراه بزرگانی همچون جهان پهلوان غلامرضا تختی در لیست مشاهیر اتحادیه جهانی کشتی قرار دارد.

جمهوری اسلامی

شنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۵ - ۱۴ ذی‌القعدة ۱۴۴۷ - مه ۲۰۲۶ - شماره ۱۳۳۴۷ - سال چهل و هفتم - ۸ صفحه - ۱۰۰۰۰ تومان

ساعات شرعی اذان ظهر ۱۲/۰۱ - اذان مغرب ۱۹/۱۱ - اذان صبح ۳/۳۸ - طلوع آفتاب ۵/۱۲

جایگاه شهید مطهری در اندیشه امام خمینی



محکومیت بین‌المللی حمله تروریستی رژیم صهیونیستی به ناوگان حمایت از غزه

«ناوگان مقاومت جهانی در یک مأموریت نمادین و غیرنظامی به سمت غزه حرکت کرده بود که مورد حمله نیروهای رژیم اشغالگر صهیونیستی قرار گرفت

«وزارت امور خارجه ایران تعرض رژیم صهیونیستی به کشتی‌های ناوگان بشر دوستانه "صمود۲" را به شدت محکوم کرد

تأکید ایران بر تداوم دیپلماسی توقف حملات آمریکا و اسرائیل و پایان جنگ

میراث کشی، جنگ علیه حافظه یک تمدن

در تاریخ، ملت‌ها نه فقط با شکوه آنچه ساخته‌اند، بلکه با شرم آنچه نابود کرده‌اند نیز شناخته می‌شوند. از بغداد تا لاون و بامیان، هر بار چیزی بیش از بناها و کتاب‌ها از میان رفت، شکافی در حافظه جهان، روزی هم که پل تاریخی موستار پس از گلوله‌باران در رود نرتوا فرو ریخت، جهان فقط سقوط یک سازه سنگی را ندید؛ فرو ریختن یکی از زبان‌های مشترک یک جامعه را دید. همان پلی که قرن‌ها محل عبور، دیدار و پیوند بود، در لحظه جنگ به نشانه‌ای از شکستن حافظه، همزیستی تبدیل شد. اما بازسازی آن نیز بعدها صرفاً مرت یک پل نبود؛ به نمادی از آشتی، انسجام و بازگشت جامعه به خویشتن بدل شد.

مسئله در جنگ‌ها فقط تخریب بناهای تاریخی نیست، مسئله حمله به حافظه‌ای است که جامعه را جامعه می‌کند. اگر «مثل‌کشی» نابودی انسان‌هاست و «شهرکشی» ویرانی سازمان‌یافته زیست شهری، باید از مفهومی دیگر نیز سخن گفت: میراث‌کشی.. میراث‌کشی یعنی هدف گرفتن حافظه مادی یک ملت؛ یعنی حمله به بناها، محوطه‌ها، موزه‌ها، بافت‌های تاریخی، خانه‌های ارزشمند و مکان‌هایی که جامعه از خلال آن‌ها خود را در زمان بازمی‌شناسد.

در جنگ رمضان، آنچه رژیم صهیونیستی و آمریکا انجام دادند را می‌توان میراث کشی نام نهاد. آسیب‌بدن حدود ۱۴۹ اثر تاریخی و فرهنگی در ۱۸ استان کشور — از بافت‌های تاریخی و خانه‌های واجد ارزش تا بناهای شاخص، محوطه‌های فرهنگی، موزه‌ها و برخی آثار ثبت‌شده جهانی — فقط فهرستی از خسارت‌های کابردی نبود؛ نشانه‌ای از گستره تمدنی ایران بود. البته توسع آثار آسیب‌دیده نشان داد که ایران صرفاً یک واحد سیاسی معاصر نیست، بلکه سرزمینی است که هویت آن در لایه‌های متعدد تاریخ، معماری، هنر، زیست اجتماعی، آیین، خلاقیت و حافظه جمعی رسوب کرده است. این یعنی آنچه برای خاموش کردن حافظه هدف گرفته شد، خود به زبان نژادهای برای معرفی ایران تاریخی، فرهنگی و تمدنی به جهان تبدیل شد.

در میان آثار آسیب‌دیده یا در معرض آسیب، نام‌ها خود سخن می‌گویند. کاخ گلستان در تهران، با حافظه قاجاری، آیینه‌کاری‌ها، تالارها و پیوندش با تاریخ دولت و شهر؛ میدان نقش جهان، عالی‌قاپو، مسجد شیخ لطف‌الله، مسجد امام و چهل‌ستون در اصفهان، که هر کدام نه فقط بنایی تاریخی، بلکه بخشی از خیال ایرانی دربارهٔ شکوه، نظم، زیبایی و شهرت؛ در کردستان، نشانه‌هایی از بافت‌های تاریخی، خانه‌های قدیمی، مساجد کهن و معماری بومی سننج، سقز، مریران و اورامان، که روایتگر ایران کوهستان، مرز، موسیقی، زبان و زندگی‌اند؛ و در خرم‌آباد و لرستان، نام‌هایی چون قلعه فلک‌الافلاک، پل شکسته، گرداب سنگی، دره خرم‌آباد و محوطه‌های کهن زاگرس، که ایران را از سطح بنا به عمق سکونت، راه، دفاع، آب، سنگ و تاریخ می‌برند. از کاخ گلستان تا نقش جهان، از اورامان تا فلک‌الافلاک، آنچه آسیب دید فقط دیوار و گنبد و سنگ نبود؛ پاره‌هایی از حافظه ایرانی بود؛ همان حافظه‌ای که تهران را به اصفهان، کردستان را به لرستان، و امروز را به هزاران سال زیست تمدنی این سرزمین پیوند می‌دهد.

بناهای تاریخی، اشیای خاموش برجای‌مانده از گذشته نیستند آن‌ها صورت مادی جامعه‌اند. هر بنای ماندگار، حاصل اثباتش همکاری، مهارت، تخیل، نظم اجتماعی و تفکر مشترکی است که در دوره‌ای از تاریخ، انسان‌ها را گرد یک معنا جمع کرده است. از این منظر، میراث معماری فقط نشانه‌های هنری یا قدرت فنی نیست؛ سندی از توان جامعه برای ساختن، هماهنگ شدن، اعتماد کردن و آینده‌پردازی است.

در اینجا این نکته اصلی معنایی رخ می‌دهد که میراث آسیب‌دیده فقط نشانه مظلومیت نیست بلکه نشانه عمق نیز هست. هر اثر تاریخی، بیش از آنکه به فهرست خسارت‌ها وارد شود، گواهی بر توان جامعه ایرانی برای آفرینش، همکاری، صلح، زیبایی و استمرار بوده است. هیچ بنای بزرگ تاریخی بدون اعتماد، مهارت، نظم، مشارکت و معنا ساخته نمی‌شود. بنابراین وقتی چنین آثاری هدف قرار می‌گیرند، در واقع توان تمدنی یک جامعه برای ساختن و باهم‌بودن هدف قرار گرفته است.

بقیه در صفحه ۲

میراث ناترازی‌ها و افق ثبات

ایران در مسیر گذار به حکمرانی عقلانی

قادر باستانی تبریزی

ایران درحالی به سوی افق ثبات گام برمی‌دارد که سنگینی میراث ناترازی‌ها، ضرورت گذار به حکمرانی عقلانی را دوچندان کرده است. ایستادگی یک ملت، اکنون صحنه را از میدان نبرد به عرصه دیپلماسی منتقل کرده است و باید همان انسجام و همبستگی، این‌بار در قالب عقلانیت سیاسی، سرنوشت رویارویی تاریخی با آمریکا را رقم بزند. امروز مسأله مهم این است که ایران در پساجنگ، چه راهبردی را برای بقا، ثبات و پیشرفت برمی‌گزیند.

در تحلیل وضعیت کنونی کشورمان، اگر از هیجان فاصله بگیریم و به صحنه نگاه کنیم، با یک واقعیت مهم روبه‌رو می‌شویم که نه سناریوی «توافق بزرگ» محتمل است و نه «شکست کامل». لایند محتمل‌ترین وضعیت، یک تعادل میانی یعنی توافقی محدود، مرحله‌ای و شکننده با هدف مدیریت و عبور از بحران است. در این فضا، دو نگاه در داخل فعال است. یک گروه مذاکره را راهی برای کاهش فشارها می‌داند و گروه دیگر به آن بدبین است و در نهایت، این کسب نتایج عملی و ملموس است که تعیین می‌کند کدام نگاه دست بالا را پیدا کند. اگر توافق، حتی در حد محدود، بتواند نشانه‌هایی از بهبود اقتصادی مثل ثبات بازار ارز را تسهیل تجارت ایجاد کند، دیدگاه موافقان تقویت می‌شود. اما اگر چنین نتایجی دیده نشود، بدبینی افزایش می‌یابد و این برداشت شکل می‌گیرد که تجربه‌های قبلی دوباره تکرار شده است.

اما مسأله فقط به موافقت یا مخالفت با مذاکره خلاصه نمی‌شود. واقعیت این است که حتی بهترین توافق خارجی هم در اقتصادی که با ناکارآمدی، رانت و محدودیت‌های ساختاری روبه‌روست، نمی‌تواند تحول اساسی ایجاد کند. توافق می‌تواند تا حدی فشارها را کم کند و فرصتی برای نفس کشیدن بدهد، اما رشد واقعی اقتصاد به اصلاحات داخلی وابسته است؛ از ثبات در سیاست‌گذاری و کاهش فساد گرفته تا تقویت رقابت، جذب سرمایه و مهم‌تر از همه، بازسازی اعتماد عمومی. بدون این اصلاحات، هر توافقی نهایتاً اثر کوتاهمدت خواهد داشت و نمی‌تواند مشکلات را به‌طور پایدار حل کند.

در سوی دیگر، تحلیل‌هایی که در اردوگاه دشمن مطرح می‌شود نشان می‌دهد که راهبرد فشار همچنان محور اصلی سیاست آمریکااست. ایده‌هایی مانند «خودفروشی یا خودفرواشی اقتصادی» بر این فرض بنا شده‌اند که ترکیب فشارهای اقتصادی با مشکلات داخلی، می‌تواند بدون هزینه‌های یک جنگ بزرگ، به تغییرات جدی منجر شود. فارغ از داوری درباره هر نگاه، یک نکته راهبردی در آن قابل توجه است که امروز میدان اصلی رقابت، بیش از آنکه نظامی باشد، به عرصه اقتصاد و جامعه منتقل شده است.

در چنین شرایطی، نه انفعال می‌تواند پاسخگو باشد و نه واکنش‌های احساسی و شعاری. براساس تحلیل‌های راهبردی، گزینه مناسب برای ایران، اتخاذ یک رویکرد ترکیبی است؛ نوعی «فشار هوشمند». یعنی هم‌زمان چند مسیر دنبال شود. از یک‌سو تلاش برای افزایش مشروعیت بین‌المللی و طرح این واقعیت که آتش‌بس نمی‌تواند با تداوم فشارها همراه باشد و ازسوی دیگر، دفاعی فعال اما کنترل‌شده از تجارت و منافع اقتصادی کشور در درکنار آن. حفظ اهرم‌های بازدارنده، برای تقویت موقعیت در چانه‌زنی. پیام این رویکرد آن است که قدرت، زمانی بیشترین اثرگذاری را دارد که سنجیده، هدفمند و به‌موقع به کار گرفته شود، نه عجزلانه و ب‌رهنه.

با این حال، همه این معادلات بیرونی، دست‌آخر به یک عامل تعیین‌کننده در داخل کشور برمی‌گردد که «تاب‌آوری جامعه» است. تجربه نشان داده این تاب‌آوری به دو چیز وابسته است. اول، تأمین کالاهای اساسی و حداقلی از ثبات معیشتی، و دوم، وجود امید به آینده. جامعه‌ای که افق روشنی پیش روی خود ببیند، می‌تواند فشارها را تحمل کند، اما اگر آینده مبهم و نگران‌کننده باشد، حتی فشارهای محدود هم می‌تواند به بحران منجر شود.

بقیه در صفحه ۲

استمرار وحدت و انسجام ملی هم‌زمان با حضور حماسی مردم در صحنه، تضمین‌کننده پیروزی نهائی ایران در جنگ تحمیلی سوم است

بقیه در صفحه ۲